

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

## به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

**کیانند**

**شایسته وصف «صادق»؟**

۶ مهر ۱۳۹۰

۲۹ شوال المکرم ۱۴۳۲

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

قال الله تبارك وتعالى :

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ﴾<sup>(۱)</sup> .

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و همراه با صادقان باشید .

### چکیده‌ی سخن

در جلسه‌ی گذشته بیان شد که خداوند در آیه‌ی فوق ، دو فرمان به مؤمنان می‌دهد : ۱ . تقوای الهی ۲ . همراهی با صادقان . همچنین اشاره شد ، صادق در لغت به کسی می‌گویند که به حق سخن می‌گوید و عمل او ، گفتارش را تصدیق و تأیید می‌کند . اکنون موضوع بحث این است که آیا مطلق راستگویان ، جزو صادقان محسوب می‌شوند ؟

### قرآن و ویژگی‌های انسان صادق

با استمداد از آیات قرآن کریم ، می‌توان به ویژگی‌ها و مصادیق انسان‌های صادق پی برد . این آیات عبارت‌اند از :

الف - ﴿ لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى

۱ . سوره توبه ، آیه ۱۱۹ .

الْمَالِ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ  
وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الرِّكَاتَ وَالْمُوفُونَ  
بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ  
أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿۱﴾.

نیکی، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز) روی خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب کنید؛ (و تمام گفتگوی شما، درباره‌ی قبله و تغییر آن باشد؛ و همه‌ی وقت خود را مصروف آن سازید؛) بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ایمان آورده؛ و مال (خود) را، با همه‌ی علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و اماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می‌کند؛ نماز را برپا می‌دارد و زکات را می‌پردازد؛ و (همچنین) کسانی که به عهد خود - به هنگامی که عهد بستند - وفا می‌کنند؛ و در برابر محرومیت‌ها و بیماری‌ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند؛ اینها کسانی هستند که راست می‌گویند؛ (و گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است) و اینها پرهیزکاران هستند.

در آیات قبل از این آیه <sup>(۲)</sup>، سخن از تغییر قبله از مسجد الأقصى، مسجد الحرام، به میان آمده است. پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ابتدای ورود به شهر، به سوی بیت المقدس نماز را اقامه می‌نمودند. ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در باطن شریف‌شان، تمایل به تغییر جهت قبله داشتند؛ ولی ادب ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اقتضا می‌کرد که این مطلب را از پروردگار درخواست نمایند. خداوند نیز به دنبال این ادب، به خواسته‌های باطنی حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جامه‌ی عمل پوشانده و هنگام نماز رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مسجدی

۱. سوره بقره، آیه ۱۷۷.

۲. سوره بقره، آیات ۱۴۹ و ۱۵۰.

۱۴۳ که بعداً موسوم به ذو قبلتین شد، قبله‌ی مسلمین را به سوی مسجد الحرام تغییر داد. پروردگار سبحان می‌فرماید:

﴿قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾<sup>(۱)</sup>.

نگاه‌های انتظارآمیز تو را به سوی آسمان (برای تعیین قبله‌ی نهایی) می‌بینیم. اکنون تو را به سوی قبله‌ای که از آن خشنود باشی، باز می‌گردانیم. پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن.

خداوند، بعد از بیان انگیزه‌ی تغییر جهت قبله، در آیه‌ای که ذکر گردید، در توصیف انسان نیکوکار متذکر می‌شود که نیکوکاری به این نیست که فقط جهت قبله را رعایت کند و رو به قبله، نماز بخواند، بلکه انسان نیکوکار باید اوصاف دیگری داشته باشد که به آن‌ها اشاره می‌کنیم: ۱. ایمان به خدا. ۲. باور داشتن روز قیامت. ۳. اعتقاد به وجود ملائکه. ۴. پذیرفتن آنچه که در کتاب‌های الهی ﷻ بیان شده است. ۵. انبیای الهی ﷻ را فرستادگان خداوند دانستن. ۶. علاوه بر اعتقاد و ایمان درونی، به بستگان نیازمند، کمک کردن. ۷. دست یاری به سوی یتیمان دراز کردن. ۸. برای رفع مشکلات مالی مسکینان تلاش، کردن. ۹. بی‌توجهی نکردن به کسانی که در شهر خود تمکن مالی دارند؛ اما در سفر تهی دست شده‌اند. ۱۰. یاری نمودن کسانی که برای رفع نیاز، دست‌ان خود را به سوی دیگران دراز می‌کنند. ۱۱. کمک کردن به افرادی که بدهکار هستند و در ذمه‌ی خود، قرضی دارند که توان پرداخت آن را ندارند. ۱۲. خواندن نماز. ۱۳. پرداختن زکات مال خویش. ۱۴. پایبند بودن به عهد و پیمانی که با کسی می‌بندد. ۱۵. صبر کردن در برابر مشکلات و بیماری‌ها یا در میدان نبرد با دشمن.

با تأمل در این آیه، به این نتیجه می‌رسیم که معیار شناسایی انسان نیکوکار و صادق، پیرامون سه محور کلی بیان شده است: ایمان و باور قلبی، عمل به احکام و ارکان دین، تقید به موازین اخلاقی.

بعضی از افراد در محضر حضرات معصومین علیهم السلام، با زبان خود ادعای تشیع می‌کرده و خود را در زمره‌ی شیعیان راستین قرار می‌دادند؛ اما غافل از این نکته بوده‌اند که حضرات معصومین علیهم السلام، کسانی را شیعه و پیرو حقیقی می‌دانند که اعمال‌شان، مطابق با رفتار ایشان علیهم السلام باشد. حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

« لیس من شیعتنا من قال بلسانه و خالفنا فی أعمالنا و آثارنا، و لکن شیعتنا من وافقنا بلسانه و قلبه و اتبع آثارنا و عمل بأعمالنا أولئك شیعتنا »<sup>(۱)</sup>.

شیعه‌ی ما نیست کسی که به زبان اظهار تشیع کند، ولی با دستورهای ما در عمل مخالفت نماید؛ بلکه شیعه‌ی ما کسی است که دل و زبان‌اش موافق ما و در کردار و فرمان‌ها، پیرو ما باشد، این‌ها شیعیان ما هستند. در روایت دیگری حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

« لیس من شیعتنا من یکون فی مصر یکون فیہ آلاف و یکون فی المصر أروع منه »<sup>(۲)</sup>.

شیعه‌ی ما کسی نیست که در شهر چند هزار نفری، باشد و در آن شهر از او پارساتر و پرهیزکارتر هم زندگی کند. در کتاب کافی نقل شده است که مفضل بن عمر می‌گوید: حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

« إیّاك والسفلة، فإنّما شیعة علی علیه السلام من عَفَّ بطنه و فرجه و اشتدَّ جهاده و عمل لخالقه و رجا ثوابه و خاف عقابه، فإذا رأیت أولئك، أولئك شیعةُ جعفر علیه السلام »<sup>(۳)</sup>.

از معاشرت و هم‌نشینی با افراد پست پرهیز، زیرا شیعه‌ی حضرت

۱. بحار الأنوار، جلد ۶۵، صفحه ۱۶۴.

۲. همان.

۳. کافی، جلد ۲، صفحه ۲۳۳؛ بحار الأنوار، جلد ۶۵، صفحه ۱۸۷.

۱۴۳ امیرالمؤمنین علی علیه السلام کسی است که شکم و دامن اش با عفت باشد و کوشش زیاد داشته باشد، عمل اش برای پروردگارش باشد و به پاداش او امیدوار و از کیفر او بیمناک باشد، اگر این افراد را دیدی، همان شیعه‌ی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام هستند.

بعضی از رفتارها در جوامع امروزی، به عنوان باور و فرهنگ عمومی، شیوع پیدا می‌کند؛ اما گاهی این باورها، اشتباه می‌باشد. به عنوان مثال، بعضی از افراد گمان می‌کنند، مسلمان کسی است که همواره در مسجد، رو به قبله بایستد و نماز اقامه کند، گرچه در قبال مشکلات اطرافیان و معضلات جامعه، هیچ عکس العملی نشان ندهد؛ اما آیه‌ی مذکور<sup>(۱)</sup>، به شدت با این عقیده مخالفت می‌کند و نشانه‌ی مسلمانی را فقط در ادای فریضه‌ی نماز نمی‌بیند (عمل به جوارح)؛ بلکه اولین قدم در مسلمانی را، ایمان و اعتقاد راستین به پروردگار می‌داند؛ البته ایمانی که سراسر وجود انسان را مسخر کرده تا به امور غیبی معتقد شود؛ یعنی اگر چه این فرد، قیامت یا انبیای گذشته علیهم السلام را ندیده باشد، اما به آن اعتقاد کامل و راسخ داشته باشد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾<sup>(۲)</sup>.

(پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب [آنچه از حس پوشیده و پنهان است] ایمان می‌آورند.

بعد از ایمان راستین، دومین قدم این است که شخص مسلمان بتواند از مال دنیا دل بریده و اموال خود را در راه خدا انفاق کند و در صورت بروز مشکلات فردی و اجتماعی، صبر پیشه کند و هیچ‌گونه حادثه‌ای، موجب سستی ایمان و یا گسستن پیوند او با پروردگارش نشود قرآن مجید می‌فرماید:

ب - ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا

۱. سوره بقره، آیه ۱۷۷.

۲. سوره بقره، آیه ۳.

وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمْ  
الصَّادِقُونَ ﴿١﴾.

مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و رسول اش صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ایمان آورده‌اند، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جان‌های خود، در راه خدا جهاد کرده‌اند، آن‌ها راستگویان‌اند. طبق این آیه، صادقین کسانی هستند که علاوه بر ایمان راسخ و محکم به پروردگار، حاضراند از جان و مال خویش بگذرند تا خداوند از آن‌ها راضی و خشنود باشد.

ج - ﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ  
يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ  
هُمْ الصَّادِقُونَ﴾ (۲).

این اموال برای فقیران مهاجری است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شدند، در حالی که فضل الهی و رضای او را می‌طلبند و خدا و رسول اش صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را یاری می‌کنند؛ و آنها راستگویان‌اند. در این آیه، خداوند، بخشی از اموال کفار را که با علاقه و رغبت به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تقدیم می‌کردند (۳)، به فقراى مهاجر، اختصاص داده است. این افراد، برای یاری رساندن به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و رسیدن به رضوان الهی، مجبور شدند، از شهر و دیار خود، مهاجرت کنند و از بهره برداری باغ‌ها و اموال‌شان، محروم شوند. با وجود اینکه دل بریدن از زادگاه و وطن، و رهاکردن کسب و تجارت، عمل دشواری است؛ اما آن‌ها، این مشکلات را به جان خریدند و دست از یاری خدا و رسول اش صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برنداشتند.

۱. سوره حجرات، آیه ۱۵.

۲. سوره حشر، آیه ۱۵.

۳. به این اموال، «فیء» می‌گویند؛ یعنی اموال و ثروت‌هایی که کفار، با رغبت، تقدیم رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌کردند و ایشان صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بین مستمندان تقسیم می‌کردند.



۱۴۳ با توجه به آیات سه گانه ، آنچه که شایستگی و لیاقت افراد را برای توصیف به وصف صادقین فراهم می آورد ، تصدیق رفتار افراد برگفتار و عقیده‌ی آنان می‌باشد . اکنون برای یافتن چنین فردی ، باید به تاریخ مراجعه کنیم .

### تاریخ و مصادیق انسان صادق

با مطالعه در کتاب‌های تاریخی ، به این نتیجه می‌رسیم که تنها عده‌ی اندکی توانستند تمام ویژگی‌های انسان صادق را - که در قرآن بیان شد - ، در خود پیاده کنند و هیچ نقطه‌ی تاریکی در زندگی‌شان یافت نگردد . منظور از این عده‌ی خاص ، حضرات معصومین علیهم‌السلام هستند . گرچه علمای اهل سنت ، نظر دیگری دارند . فخر رازی در این مورد می‌گوید : کسی می‌تواند مصداق فرد « صادق » لقب بگیرد که دارای مقام « عصمت » باشد و فقط رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به مقام عصمت دست یافته‌اند . او سپس به عقیده‌ی خود اشکال وارد می‌کند و می‌گوید : با توجه به اینکه محتوای قرآن ، منحصر در افراد و زمان خاصی نمی‌باشد و تا روز قیامت حجیت دارد ، چرا این آیه ، مخصوص زمان نزول قرآن می‌باشد و به دوران‌های دیگر سرایت نمی‌کند ؟ بعد از بیان این اشکال ، جواب آن را این گونه می‌دهد : از آنجایی که بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شخص صادق دیگری وجود ندارد ، بنابراین اگر تمام امت در مسئله‌ای ، اتفاق نظر داشته باشند ، چون امت در اجماع خطا نمی‌کنند ، پس جزو صادقین محسوب می‌شوند <sup>(۱)</sup> . این شبهه ، دارای نقدهای فراوانی است که در مجالس بعدی به آن اشاره خواهیم کرد .

همان طور که بیان شد ، یکی از ویژگی‌های مهم و اساسی انسان صادق ، ایمان و باور قلبی وی به پروردگار می‌باشد . اکنون برای آنکه به راستی سخن اهل سنت و باور قلبی آنان به خداوند پی ببریم ، لازم است مقایسه‌ای میان سخن آنها و کلمات ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام در توصیف پروردگار صورت بگیرد تا در نتیجه بتوانیم انسان

۱ . تفسیر رازی ، جلد ۱۶ ، صفحه ۲۲۶ .

صادق واقعی را بیابیم، و او را سرمشق و الگوی خویش قرار دهیم و با او همراهی نماییم.

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، خداوند را این چنین معرفی می‌کند:

« الحمد لله الذي لا يبلغ مدحته القائلون، ولا يُحصي نعماءه العادون، ولا يؤدي حقه المجتهدون، الذي لا يدركه بعد الهمم، ولا يناله غوص الفطن، الذي ليس لصفته حدٌ محدودٌ ولا نعتٌ موجودٌ، ولا وقتٌ معدود، ولا أجلٌ ممدود، فطر الخلائق بقدرته، ونشر الرياح برحمته، وودد بالصخور ميدان أرضه. أول الدين معرفته، وكمال معرفته التصديق به وكمال التصديق به توحیده وكمال توحیده الإخلاص له، وكمال الإخلاص له نفى الصفات عنه، لشهادة كل صفة أنها غير الموصوف، وشهادة كل موصوف أنه غير الصفة، فمن وصف الله فقد قرنه، ومن قرنه فقد ثناه، ومن ثناه فقد جزأه، ومن جزأه فقد جهله، ومن جهله فقد أشار إليه، ومن أشار إليه فقد حدّه، ومن حدّه فقد عدّه، ومن قال « فيم؟ » فقد ضمّنه، ومن قال « علام؟ » فقد أخلى منه»<sup>(۱)</sup>.

سپاس خداوندی را که سخنوران از ستودن او عاجزاند و حسابگران از شمارش نعمت‌های او ناتوان، و تلاش‌گران از ادای حق او درمانده‌اند. خدایی که افکار ژرف‌اندیش، ذات او را درک نمی‌کنند و دست غواصان دریای علوم به ایشان نخواهد رسید. پروردگاری که برای صفات او حد و مرزی وجود ندارد و تعریف کاملی نمی‌توان یافت و برای خدا وقتی معین و سرآمدی مشخص نمی‌توان تعیین کرد. مخلوقات را با قدرت خود آفرید، و با رحمت خود بادها را به حرکت درآورد و به وسیله‌ی کوه‌ها، اضطراب و لرزش زمین را به آرامش تبدیل کرد. سرآغاز دین، خداشناسی است؛ و کمال شناخت خدا، باور

داشتن او؛ و کمال باور داشتن خدا، شهادت به یگانگی اوست؛ و کمال توحید، اخلاص؛ و کمال اخلاص، خدا را از صفات مخلوقات جدا کردن است؛ زیرا هر صفتی نشان می‌دهد که غیر از موصوف، و هر موصوفی گواهی می‌دهد که غیر از صفت است؛ پس کسی که خدا را با صفت مخلوقات تعریف کند او را به چیزی نزدیک کرده، و با نزدیک کردن خدا به چیزی، دو خدا مطرح شده؛ و با طرح شدن دو خدا، اجزایی برای او تصور نموده؛ و با تصور اجزا برای خدا، او را نشناخته است. و کسی که خدا را شناسد به سوی او اشاره می‌کند و هر کسی به سوی خدا اشاره کند، او را محدود کرده، به شمارش آوَرَد. و آن کس که بگوید «خدا در چیست»؟ او را در چیز دیگر پنداشته است و کسی که بپرسد «خدا بر روی چه چیزی قرار دارد» به تحقیق جایی را خالی از او در نظر گرفته است.

در روایت دیگری، شخصی به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام عرض می‌کند:  
 «هل رأيت ربك يا أمير المؤمنين عليه السلام؟ فقال عليه السلام: أفأعبد ما لا أرى؟  
 فقال: وكيف تراه؟ فقال عليه السلام: لا تراه العيون بمشاهدة العيان ولكن  
 تدرکه القلوب بحقائق الإيمان»<sup>(۱)</sup>.

ای امیر مؤمنان علیه السلام! آیا پروردگار خود را دیده‌ای؟ ایشان علیه السلام در پاسخ فرمودند: آیا چیزی را که نبینم، می‌پرستم؟ عرض کرد: چگونه او را می‌بینی؟ حضرت علیه السلام فرمودند: دیده‌ها هرگز او را آشکار نمی‌بینند، اما دل‌ها، با ایمان درست، او را در می‌یابند.

برای شناخت مقام والای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، همین مقدار بس که شیعیان و پیروان خاص حضرت علیه السلام، قادر به انجام کارهای خارق العاده هستند. به عنوان نمونه، هنگامی که حضرت موسی علیه السلام از خداوند درخواست کرد که او را

۱. نهج البلاغة، خطبه ۱۷۹.

﴿قَالَ لَنْ تَرَاني وَلَكِنْ انظُرْ اِلَى الْجَبَلِ فَاِنْ اسْتَقَرَّ مَكَانُهُ فَسَوْفَ تَرَاني﴾<sup>(۱)</sup>.

خداوند گفت: هرگز مرا نخواهی دید! ولی به کوه بنگر، اگر در جای خود ثابت ماند، مرا خواهی دید.

در این لحظه، خداوند به یکی از شیعیان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمان داد تا در آن کوه تجلی کند. حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ مَوْسَى علیه السلام لَمَّا سَأَلَ رَبَّهُ مَا سَأَلَ، أَمَرَ وَاحِدًا مِنَ الْكَرَوِيِّينَ، فَتَجَلَّى لِلْجَبَلِ وَجَعَلَهُ دَكًّا»<sup>(۲)</sup>.

هنگامی که حضرت موسی علیه السلام از خداوند مشاهده‌ی او را درخواست کرد، خداوند متعال به یکی از کرویویان<sup>(۳)</sup>، دستور داد که بر کوه تجلی کند، پس او نیز تجلی کرد و با نور او، کوه از هم فروپاشید.

حضرت موسی علیه السلام که توان دیدن این قدرت و توان یکی از شیعیان حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را نداشت، بی هوش شد و به روی زمین افتاد. پروردگار سبحان می فرماید:

﴿وَحَزَرَ مَوْسَى صَعِقًا﴾<sup>(۴)</sup>.

و موسی علیه السلام مدهوش به زمین افتاد.

تمام حضرات معصومین علیهم السلام همچون حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، در مورد خداوند متعال چنین عقیده‌ای دارند. اما در طرف مقابل، علما و بزرگان اهل سنت،

۱. سوره اعراف، آیه ۱۴۳.

۲. بحار الأنوار، جلد ۱۳، صفحه ۲۲۴.

۳. کرویویان گروهی از نخستین شیعیان هستند که خداوند آنان را در وراى عرش قرار داده است. اگر نوری از آنان به زمین بتابد، اهل زمین دیگر نیازی به نور ندارند.

۴. سوره اعراف، آیه ۱۴۳.

۱۴۳ خدا را مانند انسان، موجودی مادی پنداشتند و برای پروردگار - العیاذ بالله - چشم، گوش و دیگر اعضا و جوارح قائل شدند. آن‌ها برای اثبات مدعای خود، به آیاتی از قرآن تمسک کرده و گفتند: مگر در کلام خداوند نیامده است:

﴿بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ﴾<sup>(۱)</sup>.

بلکه هر دو دست (قدرت) او، گشاده است.

در نتیجه خداوند - نعوذ بالله - دارای دو دست است<sup>(۲)</sup>، اما چون گستردگی دستان پروردگار زیاد است، کسی نمی‌تواند آن‌ها را ببیند. در مورد دیگر، خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾<sup>(۳)</sup>.

همه چیز جز ذات (پاک) او فانی می‌شود.

﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ \* وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾<sup>(۴)</sup>.

همه‌ی کسانی که روی آن [زمین] هستند فانی می‌شوند \* و تنها وجه (ذات ذوالجلال و گرامی) پروردگارت باقی می‌ماند.

بنابراین، خداوند دارای صورت مادی است<sup>(۵)</sup>. همچنین معتقداند، خداوند در روز قیامت - العیاذ بالله -، ساق پاهایش را، نمایان می‌کند، که روی آن‌ها علامتی است که هر فردی آن را ببیند، پی می‌برد که او خداست<sup>(۶)</sup>.

اگر بر فرض، نظریه‌ی آنان را بپذیریم و قرآن را به همان معنای لفظی و ظاهری خودش حمل کنیم و این تعابیر را مجازگویی ندانیم، باز هم بطلان آن واضح و

۱. سوره مائده، آیه ۶۴.

۲. از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۵، صفحه ۲۱۳؛ تفسیر رازی، جلد ۱۲، صفحه ۴۲.

۳. سوره قصص، آیه ۸۸.

۴. سوره رحمن، آیات ۲۶ و ۲۷.

۵. صحیح بخاری، جلد ۶، صفحه ۱۸.

۶. صحیح بخاری، جلد ۶، صفحه ۷۲.

بدیهی است. چراکه، طبق آیه‌ی ۸۸ سوره‌ی قصص، تمام اشیای مادی، همچون دست و پا و چشم خداوند از بین می‌رود و فقط صورت پروردگار باقی می‌ماند؛ در حالی که هیچ عقل سلیمی، چنین معنایی را از این آیه‌ی شریف نمی‌پذیرد و آن را باطل می‌داند.

با مقایسه‌ای که بین نظریات این دو گروه؛ حضرات معصومین علیهم‌السلام و بزرگان اهل سنت، در مورد پروردگار صورت گرفت، به خوبی آشکار می‌شود که چه کسانی، مصادیق واقعی «صادقان» هستند و پیروی و همراهی آنان، بر همگان واجب شده است.

خلاصه‌ی سخن آنکه، این آیه‌ی شریف ﴿وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾<sup>(۱)</sup> از جمله آیاتی است که عصمت حضرات معصومین علیهم‌السلام را اثبات می‌کند؛ زیرا ایشان علیهم‌السلام، انسان‌ها را به سوی بارگاه الهی هدایت می‌کنند و اگر خود دارای اشتباه یا انحراف باشند، نمی‌توانند افراد را به مقصود اصلی‌شان برسانند. همچنین استمرار امامت و مسئله‌ی مهدویت نیز از این آیه فهمیده می‌شود؛ زیرا امکان ندارد خداوند، انسان را به همراهی با صادقان فرمان دهد، اما دورانی باشد که فرد صادقی وجود نداشته باشد. همچنین نکات فراوان دیگری از این آیه فهمیده می‌شود که در جلسات آینده به آن اشاره خواهیم کرد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## خودآزمایی

- ① مهمترین ویژگی های انسان صادق را نام ببرید؟
- ② تغییر جهت قبله توسط خداوند، برای چه بوده است؟
- ③ حضرت امام صادق علیه السلام چه کسانی را شیعه و پیرو اهل بیت علیهم السلام می دانند؟
- ④ طبق نظر شیعیان، مصادیق حقیقی انسان صادق، چه کسانی هستند؟
- ⑤ چرا بین سخنان حضرات معصومین علیهم السلام و بزرگان اهل سنت، مقایسه لازم است؟
- ⑥ دلیل مدهوش شدن حضرت موسی علیه السلام چه بود؟
- ⑦ عقیده ی بزرگان اهل سنت را در مورد پروردگار بیان نمایید؟
- ⑧ چگونه عصمت حضرات معصومین علیهم السلام از آیه ی ۱۱۹ سوره ی توبه فهمیده می شود؟
- ⑨ چگونه مسئله ی استمرار امامت ائمه ی اطهار علیهم السلام، از آیه ی مذکور فهمیده می شود؟

با تأمل در این آیه، به این نتیجه می‌رسیم که معیار شناسایی انسان نیکوکار و صادق، پیرامون سه محور کلی بیان شده است: ایمان و باور قلبی، عمل به احکام و ارکان دین، تقید به موازین اخلاقی، بعضی از افراد در محضر حضرات معصومین علیهم‌السلام، با زبان خود ادعای تشیع می‌کرده و خود را در زمره شیعیان راستین قرار می‌دادند؛ اما غافل از این نکته بوده‌اند که حضرات معصومین علیهم‌السلام، کسانی را شیعه و پیرو حقیقی می‌دانند که اعمال شان، مطابق با رفتار ایشان علیهم‌السلام باشد.

(صفحه ۵ از همین جزوه)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت: ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می‌باشد.
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

### محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته‌الله

تلفن: ۴۴۴۴۳۴۳-۴۴۴۵۲۷۷-۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک: [info@yasrebi.ir](mailto:info@yasrebi.ir)

[www.yasrebi.ir](http://www.yasrebi.ir)